

## بررسی روشهای تدریس در دوره‌های آموزش فنی حرفه‌ای غیر رسمی امور دام\*

نادر سلیمانی - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار  
مجید رضا خداوردیان\*\* - کارشناس ارشد وزارت جهاد کشاورزی

### چکیده

همه ساله وزارت جهاد کشاورزی در چارچوب رسیدگی به مسائل و مشکلات روزافزون کشاورزی و دامداری روستاییان، در صد قابل توجهی از منابع مالی، مادی و انسانی را به آموزشهای مهارتی اختصاص می‌دهد. کار برنامه‌ریزی این دوره‌ها و تدوین استانداردهای مهارت آموزشی به صورت متمرکز انجام می‌شود، از این رو مرئیان دوره‌های آموزشی دخالت مستقیم در مرحله برنامه‌ریزی ندارند ولی سایر مراحل اجرایی آموزش مهارتی تا اندازه زیادی به میزان تخصص، تجربه کار عملی و علاقه مرئیان بستگی دارد. مطابق نگرش نظام‌مند، دریافت بازخورد از چگونگی اجرای این دوره‌ها می‌تواند موجب بهبود ساختار نظام آموزش غیر رسمی روستاییان شود. تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کاربردی است و به روش توصیفی و همبستگی انجام گرفته است. جامعه آماری آن مشتمل بر ۱۲۱۰ نفر از مرئیان دوره‌های آموزشی امور دام و ۴۱۶۶ نفر از کارآموزان دوره‌های آموزشی منتخب بوده است که از میان آنان، از طریق نمونه‌گیری به روش تصادفی تعداد ۱۴۴ نفر مربی و ۲۳۷ نفر کارآموز با استفاده از فرمول «کوکران» به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند. نتایج حاصل از بررسی رابطه بین روشهای تدریس منتخب با برخی ویژگیهای مرئیان و کارآموزان نشان داد که بین سطح تحصیلات مربی، تجربه کار عملی و روشهای تدریس، رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین میزان تجربه کار عملی و مشارکت کارآموزان در دوره آموزشی با روشهای کارگاه آموزشی و مهارت‌آموزی رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار وجود ندارد. اما بین ویژگیهایی چون سابقه تدریس مرئیان، ویژگیهای رفتاری کارآموزان بزرگسال روستایی و محدودیتهای جسمی آنان با

\* مقاله حاضر برگرفته از طرحی با همین عنوان است که در سال ۱۳۸۲، دفتر مطالعات و طراحی ترویج و نظام بهره برداری وزارت جهاد کشاورزی با همکاری آقای دکتر نادر سلیمانی انجام داده است.

روشهای تدریس منتخب رابطه معنی داری وجود ندارد. لازم به ذکر است که رابطه بین روشهای آموزشی مورد استفاده در هر دوره با مواد رسانه‌های آموزشی، لوازم، تجهیزات تخصصی، آزمونها و سؤالات پایان دوره به تفکیک بررسی شده‌اند که به جهت گستردگی از ارائه نتایج آنها در چکیده پرهیز شده است. در پایان پیشنهاد شده است تا جهت دسترسی و استفاده بهینه مرییان از استانداردهای نوین آموزشی برای آنان بسته‌های نرم‌افزاری (کیت آموزشی) تهیه شود و در صورت امکان این امر از طریق اینترنت (وبسایت) عملی گردد.

**واژه‌های کلیدی:** روشهای آموزشی، دوره آموزشی، آموزش غیر رسمی روستاییان، آموزش مهارتی، آموزش حرفه‌ای.

#### مقدمه

نیروی انسانی ماهر و متخصص، از عوامل کلیدی و انکارناپذیر در توسعه اقتصادی و اجتماعی هر کشور است. در واقع سرمایه‌گذاری در تأمین نیروی انسانی نه تنها توسعه اقتصادی و اجتماعی را سبب می‌شود بلکه کشور را در زمینه فنون و تخصصهای لازم از کشورهای بیگانه بی‌نیاز می‌کند و موجبات استقلال و خودکفایی در زمینه‌های تخصصی را فراهم می‌نماید. از طرفی اهمیت بخش کشاورزی در هر جامعه کمتر از سایر بخشهای صنعتی و تولیدی نیست و سرمایه‌گذاری در این بخش می‌تواند منجر به رشد و توسعه اقتصادی گردد. یکی از مصادیق پراهمیت سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی مسئله آموزش روستاییان و کشاورزان است. معمولاً دو نوع آموزش در ارتباط با توسعه فعالیت‌های کشاورزی ارائه می‌شود: ۱- آموزش رسمی، که طی آن فرزندان تولیدکنندگان، کاردانا، کارشناسان و متخصصان کشاورزی در برنامه‌های دبیرستانی تا آخرین مراحل دانشگاهی تربیت شده و با روشهای علمی و عملی تولیدات کشاورزی آشنایی شوند. ۲- آموزشهای غیر رسمی (شامل الف) آموزش روستاییان که به منظور مجهز کردن تولیدکنندگان و بهره‌برداران بزرگسال روستایی به اطلاعات، فنون و مهارتهای لازم در زمینه‌های جدید تولیدی انجام می‌شود. (ب) آموزشهای حین خدمت که جهت کادرهای شاغل یا اجرایی کشاورزی از جمله مروجان، تکنسینها و کارشناسان به منظور آگاهی بیشتر آنان به علوم و فناوری جدید و حفظ ارتباط فنی و حرفه‌ای غیر رسمی دامداران روستایی مدنظر است.

در «مدل عمومی آموزش» پنج مرحله مشخص وجود دارد که عبارت‌اند از: ۱- انتخاب و تدوین هدفهای آموزش ۲- تعیین ویژگیهای ورودی یادگیرندگان ۳- مراجعه به

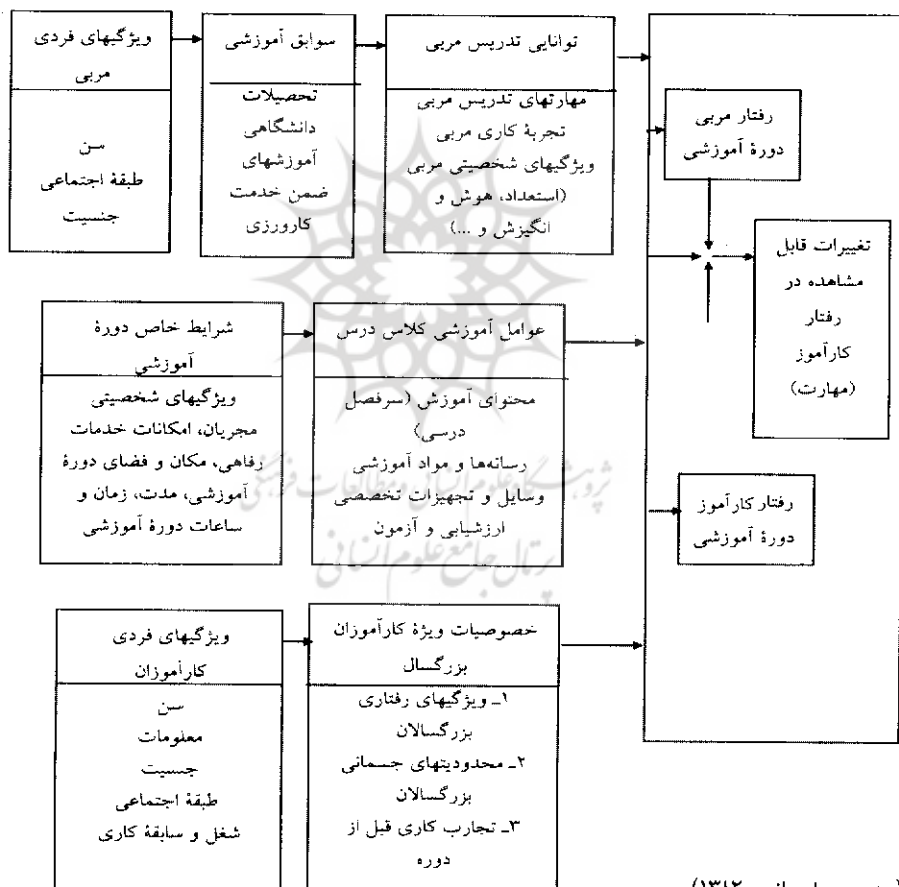
روانشناسی یادگیری و انگیزش و استفاده از آن برای بهبود فرایند یادگیری آموزش ۴ - انتخاب و کار بست روشها و فنون مناسب تدریس و آموزش ۵ - تهیه و اجرای روشهای مناسب ارزیابی از میزان یادگیری یادگیرندگان (سیف، ۱۳۷۹). در آموزشهای فنی و حرفه‌ای غیر رسمی، تدوین اهداف، محتوا و سرفصلهای دوره‌های آموزشی به شکل متمرکز در دفتر آموزشی روستاییان صورت می‌گیرد. مربیان دوره‌های آموزشی دخالت مستقیمی در این مرحله ندارند، ولی سایر مراحل آموزش تا اندازه زیادی به میزان تخصص و تجربه و علاقه مربیان بستگی دارد. وزارت جهاد کشاورزی در راستای توجه و رونق بخشیدن به مسئله کشاورزی کشور، همه ساله در صد قابل توجهی منابع مالی، مادی و انسانی را به آموزشهای مهارتی غیر رسمی روستاییان اختصاص می‌دهد. مطابق نگرش نظام‌مند دریافت باز خورد از چگونگی اجرای دوره‌های آموزشی می‌تواند موجبات بهبود نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای غیر رسمی را فراهم آورد. این طرح بر آن است تا وضعیت روشهای تدریس مورد استفاده مربیان دوره‌های آموزشی مربوط به امور دام را بررسی کند. قطعاً داده‌های عینی حاصل از این مطالعه می‌تواند در طراحی دوره‌های آموزشی بعدی مورد استفاده و استناد قرار گیرد.

### چارچوب نظری و تحقیقاتی موضوع

از تدریس، تعریفهای متعددی ارائه شده است. برخی تدریس را بیان صریح معلم درباره آنچه که باید گفته شود، می‌دانند و گروهی دیگر تدریس را هموزی متقابلی می‌دانند که بین معلم و یادگیرنده و محتوا در کلاس درس جریان دارد. عده زیادی از مربیان و متخصصان تعلیم و تربیت، فراهم آوردن شرایط و اوضاع و احوالی که یادگیری را برای شاگردان آسان کند، تدریس نامیده‌اند (شعبانی، ۱۳۷۱). صاحب نظران تعلیم و تربیت جدید با تعاریف قبلی تدریس که آن را انتقال معلومات می‌دانستند، مخالف هستند و تدریس را انتقال مفاهیم و مطالب پیچیده و غامض درسی به یادگیرندگان می‌دانند. «لانجرن» تدریس را فرایند پیچیده و از قبل برنامه‌ریزی شده‌ای می‌داند که مربی در کلاس اجرا می‌کند و هدف عمده‌اش ایجاد یادگیری و تعامل عینی و ذهنی یادگیرنده با مطالب یاد گرفتنی است (پروند، ۱۳۶۶). بنابراین، مربی باید یادگیرندگان را با مطالب یاد گرفتنی درگیر نماید و راه و روش دانستن را به آنها بیاموزد نه اینکه تنها به انتقال فرمولها و معلومات اکتفا کند. بنا به اهمیت فعال نمودن یادگیرندگان و ایجاد پایداری در آموخته‌های آنان در حین تدریس، تأکید فراوانی بر این جنبه از تدریس شده است تا آنجا که تدریس را به نوعی روان‌درمانی تشبیه کرده‌اند.

«کارل راجرز» می‌گوید: همان‌طور که روانشناس در روان‌درمانی صرفاً به بیمار کمک می‌کند تا مشکلات خودش را بشناسد و به چگونگی رفع آن پی ببرد، در تدریس نیز یادگیرندگان، خودشان مطالب را فرامی‌گیرند و مربی فقط به آنها کمک می‌کند تا به هدفهای آموزشی نزدیک شده و آن را فراگیرند (همان). در همین ارتباط، الگوی نظام‌مندی برای تعامل ارکان دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای غیر رسمی و رسیدن به بازدهی مطلوب پیشنهاد می‌شود (نگاره ۱).

نگاره ۱- نظام تعاملی ارکان دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای غیر رسمی در رسیدن به بازده مطلوب



(منبع: سلیمانی، ۱۳۸۲)

## پیشینه پژوهش

در بررسی سوابق پژوهشی موضوع، تحقیقی که مستقیماً شیوه‌های آموزش و تدریس را در دوره‌های فنی و حرفه‌ای غیر رسمی روستایی و کشاورزی بررسی نموده باشد، به چشم نخورده است. ولی موارد معدودی با عناوین مشابه یافت شده که به شرح زیر است:

«کرباسیون» در تحقیقی تحت عنوان «بررسی و شناسایی نیازهای آموزشی و موانع تدریس از نظر مربیان دوره‌های آموزش روستاییان استان اصفهان» هدف کلی تحقیق را عبارت از بررسی عوامل آموزشی و غیر آموزشی مؤثر در کیفیت تدریس مربیان دوره‌های آموزش روستاییان می‌داند. مربیانی که در سال ۱۳۷۲ در دوره‌های آموزش روستاییان استان اصفهان مشغول به تدریس بوده‌اند جامعه آماری تحقیق بودند و به سؤالات پرسشنامه محقق پاسخ داده‌اند. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از شاخصهای آمار توصیفی و استنباطی (یک نمونه‌ای کلمرگروف، اسمیرنف، آزمون خی دو) تحلیل شدند. نتایج تحقیق نشان داده است که، مناسب‌ترین روش آموزش از نظر اکثریت مربیان، آموزش عملی است. همچنین پنج مشکل یا مانع عمده آموزش از دیدگاه مربیان عبارت‌اند از:

- ۱- کمبود امکانات و تجهیزات لازم برای آموزش عملی
- ۲- غیرهمگن بودن فراگیران از نظر سن، جنس و ...
- ۳- عدم دسترسی و ارتباط نزدیک مربیان با مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی
- ۴- عدم شرکت آگاهانه و فعال روستاییان در کلاسها
- ۵- عدم استمرار و پیگیری دوره‌های آموزشی در روستا (کرباسیون، ۱۳۷۳)

«صداقت‌نیک» تحقیقی تحت عنوان «بررسی نوع و میزان کارایی روشهای تدریس متداول و مناسب آموزشهای حرفه‌ای در مراکز آموزش کشاورزی» انجام داده است. جامعه آماری تحقیق کلیه مربیان (۳۵ نفر) مشغول به تدریس و دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۷۳-۱۳۷۲ بوده‌اند. از مربیان به علت محدودیت در حجم، نمونه‌گیری به عمل نیامده است و نمونه‌ای متناسب از دانش‌آموزان در پنج استان کشور جهت پاسخگویی انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، دو پرسشنامه بوده است. نتایج این تحقیق نشان داد که به لحاظ توصیفی، ۴۴/۸ درصد مربیان روش تدریس «پرسش و پاسخ» را به میزان جلب مشارکت دانش‌آموزان مؤثر دانسته‌اند و از نظر مربیان روش «پرسش و پاسخ» و روش تلفیقی بیشترین کاربرد را در مراکز آموزش کشاورزی دارد. ۵۳ درصد مربیان، مهم‌ترین مشکل خود را برای اجرای روش تدریس مناسب، کمبود وسایل کمک آموزشی دانسته‌اند. نتایج حاصل از آمار تحلیلی نشان داده است که بین هر کدام از متغیرهای سطح تحصیل، تجربه تدریس، آشنایی با نظریه‌های یادگیری و قابلیت‌های مربیان و انتخاب روش تدریس رابطه معنی دار وجود



دارد. بدین معنی که مربیان با تحصیلات بالاتر و تجربه بیشتر و آشنا به نظریه‌های یادگیری، از روشهای متنوع تری در امر تدریس بهره می‌جویند (صداقت‌نیک، ۱۳۷۳).

«خداوردیان» تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر سودمندی دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای غیر رسمی وزارت جهاد سازندگی برای شاغلین روستایی استان تهران» انجام داده است که نتایج تحقیق نشان داد بین متغیرهای مستقل سن کارآموزان، میزان اشتغال به کار کارآموزان، میزان استفاده کارآموزان از لوازم و تجهیزات، میزان تطابق آزمون پایان دوره با محتوای آموزشی که مربی تدریس کرده، میزان تجربه کار عملی در موضوع مورد آموزش، میزان روشهای آموزشی که مربی به کار گرفته، مواد و رسانه‌های آموزشی که مربی دوره استفاده کرده، ارتباط نوع شغل کارآموزان با موضوع مورد آموزش، عضویت کارآموزان در تعاونیهای تولید، استفاده شرکت‌کنندگان کارآموز از تسهیلات حمایتی پس از دوره و برخورداری کارآموزان از ابزار و تجهیزات تخصصی حرفه‌ای در محل کارشان با میزان سودمندی دوره‌های آموزشی رابطه مثبت و معنی‌داری داشته‌اند (خداوردیان، ۱۳۷۸).

«شعبانی» و «پورظهیر» در تحقیق خود با عنوان «تأثیر روشهای تدریس در افزایش تواناییهای شناختی، عاطفی و رفتاری دانش‌آموزان» نشان داده‌اند که میان پیشرفت تحصیلی با روشهای تدریس کاوشگری، بحث گروهی و سخنرانی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. از دیگر نتایج این تحقیق این بوده است که میان ویژگیهای عاطفی در روشهای تدریس کاوشگری، بحث گروهی و سخنرانی تفاوت معنی‌دار وجود ندارد (شعبانی و پورظهیر، ۱۳۷۶).

نگاهی به تحقیقات انجام شده مبین آن است که هیچ‌یک از آنها مستقیماً روشهای تدریس مورد استفاده در دوره‌های فنی و حرفه‌ای غیر رسمی روستایی و کشاورزی یا دامداری را بررسی نکرده‌اند. از این رو بررسی چنین مسئله‌ای می‌تواند راه را برای تحقیقات بعدی پیرامون کم و کیف دوره‌های آموزشی غیر رسمی بگشاید.

### اهمیت تحقیق

اگر مسئولان در صدد تدوین الگویی برای توسعه کشور هستند بی‌شک باید حفظ و توسعه روستاها را نقطه آغازی برای این امر بدانند و در صدد ایجاد ظرفیتهای بیشتر برای حفظ و جذب این نقاط باشند، که قطعاً یکی از شیوه‌های توجه به روستا و روستاییان رونق بخشیدن به آموزشهای فنی و حرفه‌ای خاص آنان است که البته همانند هر فعالیت سازمانی دیگر مستلزم برنامه‌ریزی صحیح و اصولی است. نظام آموزشهای روستایی و کشاورزی ضمن اینکه واجد عواملی است که تا حدود زیادی آن را با مؤسسات آموزشی رسمی (دبستان، دبیرستان، دانشگاه) مشابه و مشترک می‌سازد، دارای وجوهی غیر مشترک یا غیر مشابه و نابرابر با

مؤسسات آموزشی رسمی نیز می باشد که مسئولان و برنامه ریزان این آموزشها بایستی آنها را به طور جدی همواره در نظر بگیرند. یکی از مهم ترین این وجوه غیرمستترک، شرایط و ویژگیهای خاص کشاورزان و دامداران روستایی است. ویژگیهایی از قبیل انگیزه تلاش، پایه معلوماتی، محدودیتهای جسمانی، سن، تجربیات دامداری، معیارها و باورهای شخصیتی که آنان را از فراگیران مؤسسات آموزشی رسمی متمایز می کند. وجود این تفاوتها و نابرابریها در نظام آموزشی روستایی و کشاورزی کارفرمایی و فرادهمی را شکل می دهد و فعالیتهای آموزش، مربیان روستایی را از فعالیتهای آموزش موجود در نظامهای آموزش رسمی تا حدود زیادی متمایز می کند. مربیان روستایی باید بکوشند که ضمن بررسی، آزمایش و تجربه، مؤثرترین روش را برای آموزش پیدا کنند زیرا اولاً انتخاب روش مؤثر و مناسب، متضمن صرف وقت کمتر برای فراگیران است، ثانیاً کارایی برخی از روشها بر سایر روشهای آموزشی برتری دارد. این بدان معنی است که با استفاده از برخی روشهای مناسب برای آموزش یک پیام، فراگیران بهتر یاد می گیرند و مربی نیز با سهولت بیشتری یاد می دهد، ثالثاً استفاده از برخی روشهای تدریس، کار پذیرش یک پدیده یا شیوه نوین را توجیه می کند و این به خصوص زمانی صادق است که از روشهای عملی و نمایشی بهره گرفته شود.

با توجه به این ملاحظات تحقیق حاضر بر آن است که وضعیت موجود کاربرد هر یک از روشهای تدریس را در دوره های آموزش فنی و حرفه ای امور دام روستایی مورد بررسی قرار دهد و میزان تطابق این روشها را با سایر عوامل آموزشی دوره شامل محتوای درسی، زمان، مواد و رسانه های آموزشی، لوازم و تجهیزات تخصصی، آزمونها، ویژگیها و تواناییهای بزرگسالان دامدار و مربیان آنها مشخص نماید و سپس براساس نتایج تحقیق و چارچوب نظری، راهکارهایی برای ارائه بهتر و مؤثرتر آموزشهای فنی و حرفه ای غیر رسمی در قالب استانداردهای آموزشی موجود پیشنهاد دهد.

## اهداف تحقیق

### هدف کلی

بررسی وضعیت موجود شیوه های تدریس در دوره های آموزش فنی و حرفه ای غیر رسمی امور دام.

### اهداف اختصاصی

۱- بررسی و مقایسه میزان استفاده هر یک از روشهای تدریس در دوره های آموزشی منتخب امور دام؛

۲- بررسی و مقایسه روشهای تدریس با ویژگیهای کارآموزان بزرگسال روستایی

- (محدودیت جسمانی، اضطراب، نگرانی، کاهش اعتماد به نفس)؛
- ۳- بررسی و مقایسه روشهای تدریس مربیان با میزان تجربه و مشارکت کار آموزان روستایی؛
- ۴- بررسی میزان استفاده از مواد و رسانه‌های آموزشی مختلف در دوره‌های آموزشی منتخب امور دام؛
- ۵- بررسی و مقایسه میزان استفاده از انواع آزمونها در دوره‌های آموزشی مورد بررسی.

### روش‌شناسی تحقیق

#### نوع و روش تحقیق

با توجه به ماهیت تحقیق که بررسی روشهای تدریس موجود در آموزشهای فنی و حرفه‌ای غیر رسمی است، می‌توان گفت تحقیق حاضر از نوع تحقیق کاربردی و روش انجام آن پیمایشی است.

#### جامعه آماری

الف- مربیان امور دام دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای غیر رسمی وزارت جهاد کشاورزی در سراسر کشور که تعداد آنان ۱۲۰۸ نفر است (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۲).

ب- کار آموزان شرکت کننده در ۶ دوره آموزشی فنی و حرفه‌ای غیر رسمی امور دام با عناوین: تربیت پروار بند گوسفند، تربیت کارگر ماهر تغذیه دام، تربیت کارگر ماهر بهداشت دام، مدیریت پرورش گوسفند داشتی، تغذیه گوسفند و بز داشتی، تربیت کارگر ماهر پشم چینی، در سراسر کشور طی سال ۱۳۸۱ که جمعاً ۷۹۷۵ نفر کار آموز هستند (همان).

#### روش نمونه‌گیری و تعیین حجم نمونه

از بین دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای غیر رسمی امور دام، ۶ عنوان دوره آموزشی که برگزاری آنها از استمرار و تداوم بیشتری برخوردار بود، برگزیده شد. برای انتخاب استان، ابتدا کلیه استانهای ۲۹ گانه کشور به ۷ منطقه تقسیم و از هر منطقه یک استان انتخاب شد. و برای انتخاب شهرستان نیز، به شکل تصادفی ساده عمل شد. حجم نمونه مربیان با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۱۴۴ برآورد گردید. با استفاده از همین فرمول حجم نمونه کار آموزان نیز برابر با ۲۳۷ نفر برآورد شد.



## روشها و وسایل جمع‌آوری اطلاعات

با توجه به روش و موضوع تحقیق، محقق برای جمع‌آوری اطلاعات از دو روش مطالعه کتابخانه‌ای و پیمایشی با استفاده از پرسشنامه بهره‌برده است. در این تحقیق از پرسشنامه‌های ویژه کارآموزان و مربیان استفاده شد. پرسشنامه‌های فوق دو بخش داشتند که قسمت اول مربوط به مشخصات فردی مخاطب و قسمت دوم شامل سؤالات اصلی است که عملیات توصیفی و تحلیلی آنها صورت پذیرفته است. برای روایی پرسشنامه‌ها نیز از جمع‌بندی نظریات کارشناسان، مربیان دوره و سایر دست‌اندرکاران در سطح وزارت جهاد کشاورزی و استانهای تابعه استفاده شد. همچنین با عنایت به دوشقی بودن اغلب گفته‌های پرسشنامه و مستند بودن تحقیق، سؤالات پرسشنامه‌ها از پایایی (اعتبار) خوبی برخوردار بوده‌اند.

### روش داده‌پردازی

برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از شاخصهای آمار توصیفی (درصد، فراوانی، میانگین و ...) و شاخصهای آمار استنباطی (شامل ضرایب همبستگی پیرسون و آزمون F) استفاده شده است.

### یافته‌های تحقیق

۱- بررسی و مقایسه میزان استفاده از روشهای تدریس در دوره‌های آموزشی مورد

#### بررسی

نتایج آزمون مقایسه میزان استفاده از روشهای تدریس مختلف در دوره‌های مورد بررسی نشان داد که به جز استفاده از روش حل مسئله، در سایر موارد هیچ‌گونه تفاوت معنی‌داری بین روشهای تدریس که مربیان دوره‌های آموزشی مختلف به کار می‌برند، وجود ندارد.

یعنی مربیان در دوره‌های آموزشی مورد بررسی به میزان نسبتاً یکسانی از روشهای تدریس سخنرانی، پرسش و پاسخ، نمایشی، مهارت‌آموزی، بازدید علمی، کار عملی، بحث گروهی و کارگاه آموزشی استفاده کرده‌اند.

**جدول ۱- نتایج آزمون مقایسه استفاده از روشهای تدریس مختلف در دوره‌های آموزشی مورد بررسی**

۱	سخنرانی	۲/۰۴۹	۰/۰۹۱	-
۲	پرسش و پاسخ	۱/۹۳۹	۰/۱۰۸	-
۳	نمایشی	۱/۳۹۴	۰/۲۴۰	-
۴	مهارت آموزی	۱/۰۰	۰/۴۱۰	-
۵	بازدید علمی	۱/۶۷۰	۰/۱۶۱	-
۶	تمرین (کار عملی)	۱/۱۰۲	۰/۳۵۸	-
۷	بحث گروهی	۱/۳۴۳	۰/۲۵۷	-
۸	کارگاه آموزشی	۱/۷۳۸	۰/۱۴۵	-

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۲- مقایسه میزان استفاده از مواد و رسانه‌های آموزشی در دوره‌های آموزشی مورد بررسی جدول ۲ نتایج آزمون مقایسه میزان استفاده از مواد و رسانه‌های آموزشی بر دست‌مربیان در دوره‌های آموزشی مورد بررسی را نشان می‌دهد که تنها بین اسلاید، اورهد و رایانه که مربیان در دوره‌های آموزشی مختلف به کار می‌برند تفاوت معنی‌داری در سطح پنج درصد وجود دارد و سایر مواد و رسانه‌های آموزشی که به میزان نسبتاً یکسانی مربیان دوره‌های آموزشی مختلف به کار می‌گیرند تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۳- مقایسه میزان استفاده از انواع آزمونها در دوره‌های آموزشی مورد بررسی نتایج آزمون مقایسه میزان استفاده از انواع آزمونها در دوره‌های آموزشی مورد بررسی نشان می‌دهد که به جز در مورد سؤالات کوتاه پاسخ در سایر موارد تفاوت معنی‌داری بین میزان استفاده از آزمونها که مربیان دوره‌های آموزشی مختلف به کار می‌برند وجود ندارد. به عبارت دیگر تنها در میزان استفاده از سؤالات کوتاه پاسخ در آزمونهای دوره‌های آموزشی مورد بررسی تفاوت معنی‌داری در سطح پنج درصد وجود دارد (جدول ۳).

جدول ۲- نتایج آزمون مقایسه استفاده از مواد و رسانه‌های آموزشی مختلف در دوره‌های آموزشی مورد بررسی

۱	کتاب	۰/۳۴۵	۰/۸۴۷	-
۲	جزوه	۱/۷۴۹	۰/۱۴۳	-
۳	نشریه	۱/۰۸۱	۰/۳۶۸	-
۴	راهنمای آموزشی	۰/۵۷۵	۰/۶۸۲	-
۵	بروشور	۰/۶۰۲	۰/۶۸۷	-
۶	عکس	۱/۱۷۲	۰/۳۲۶	-
۷	پوستر	۰/۹۶۴	۰/۴۲۹	-
۸	مدل	۰/۴۹۵	۰/۷۴۰	-
۹	تخته سیاه	۰/۳۱۹	۰/۸۶۵	-
۱۰	اسلاید	۳/۸۷۰	۰/۰۱۵	*
۱۱	اورهد	۲/۶۷۱	۰/۰۳۵	*
۱۲	اوپک	۱/۲۱۸	۰/۳۰۶	-
۱۳	رایانه	۳/۰۳۰	۰/۰۲۰	*
۱۴	فیلم	۰/۷۷۶	۰/۵۴۳	-

\* : معنی دار در سطح ۵٪

(منبع: یافته‌های پژوهش)

جدول ۳- نتایج آزمون مقایسه میزان استفاده از انواع آزمونها در دوره‌های آموزشی مورد بررسی

۱	شفاهی	۱/۶۳۸	۰/۱۶۸	-
۲	کتبی	۱/۷۲۸	۰/۱۴۸	-
۳	عملی	۲/۰۱۷	۰/۰۹۶	-
۴	چند گزینه‌ای	۰/۷۵۴	۰/۵۵۷	-
۵	صحیح - غلط	۱/۰۴۷	۰/۳۸۶	-
۶	جور کردنی	۰/۶۵۹	۰/۶۲۱	-
۷	کامل کردن	۱/۳۸۴	۰/۲۴۳	-
۸	کوتاه پاسخ	۲/۸۵۴	۰/۰۲۶	*
۹	تشریحی	۱/۷۱۰	۰/۱۵۱	-
۱۰	تلفیقی	۰/۹۶۸	۰/۴۲۷	-

\* : معنی دار در سطح ۵٪

(منبع: یافته‌های پژوهش)

#### ۴- رابطه بین روشهای تدریس مریبان با میزان تجربه و مشارکت کارآموزان

نتایج آزمون همبستگی بین روشهای تدریس مورد استفاده مریبان با میزان تجربه و مشارکت کارآموزان مشخص نمود که در دوره آموزشی تربیت کارگر ماهر تغذیه دام، رابطه‌ای مثبت و معنی دار در سطح پنج درصد وجود دارد و بین میزان استفاده مریبان از کارگاه آموزشی و میزان مشارکت و تجربه کارآموزان، رابطه‌ای معنی دار وجود دارد. همچنین در دوره آموزشی تربیت پرواربند گوسفند، رابطه مثبت و معنی داری در سطح پنج درصد بین میزان استفاده از روش مهارت‌آموزی و میزان مشارکت و تجربه کارآموزان به دست آمد. و در سایر دوره‌های آموزشی هیچ‌گونه رابطه معنی داری بین روشهای تدریس مورد استفاده مریبان و میزان تجربه و مشارکت کارآموزان وجود ندارد، یعنی به جز دو مورد مذکور، در سایر موارد بین روشهای تدریسی که مریبان انتخاب می‌کنند، با میزان تجربه و مشارکت کارآموزان شرکت‌کننده در دوره‌های آموزشی هیچ ارتباطی وجود ندارد.

#### ۵- رابطه بین روشهای تدریس و ویژگیهای کارآموزان بزرگسال (مانند محدودیتهای جسمانی، اضطراب، نگرانی، کاهش اعتماد به نفس و ...)

نتایج آزمون همبستگی بین روشهای تدریس مورد استفاده مریبان با برخی ویژگیهای بزرگسالان (مانند محدودیتهای جسمانی، اضطراب، نگرانی، کاهش اعتماد به نفس و ...) مشخص نمود که بین نوع روش تدریسی که مربی انتخاب می‌کند با ویژگیهای کارآموزان بزرگسال روستایی رابطه معنی داری وجود ندارد.

#### ۶- رابطه بین روشهای تدریس و سطح تحصیلات مریبان

آزمون همبستگی بین روشهای تدریس و سطح تحصیلات مریبان مشخص نمود که بین روشهای پرسش و پاسخ، نمایشی و مهارت‌آموزی با سطح تحصیلات آنها رابطه مثبت و معنی داری در سطح یک درصد وجود دارد، به عبارت دیگر مریبان با سطح تحصیلات بالاتر به میزان بیشتری از روشهای آموزشی پرسش و پاسخ، نمایشی و مهارت‌آموزی استفاده کرده‌اند.

#### ۷- رابطه بین روشهای تدریس و سابقه تدریس مریبان

نتایج حاصل از آزمون همبستگی بین روشهای تدریس مورد استفاده مریبان با سابقه تدریس آنها مشخص نمود که هیچ‌گونه رابطه معنی داری بین استفاده از روشهای آموزشی با میزان سابقه تدریس مریبان وجود ندارد، یعنی مریبان با سابقه تدریس متفاوت به میزان یکسانی از روشهای آموزشی مختلف استفاده کرده‌اند.

۸- رابطه بین روشهای تدریس و تجربه عملی مربی در موضوع مورد آموزش دوره آزمون همبستگی بین میزان استفاده مربیان از روشهای تدریس با تجربه عملی مربیان در موضوع مورد آموزش دوره نشان داد که در بین روشهای مختلف مورد استفاده مربیان تنها بین روش آموزشی مهارت‌آموزی با میزان تجربه مربیان رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح یک درصد وجود دارد. به عبارت دیگر مربیانی که در موضوع مورد تدریس خود تجربه عملی بیشتری دارند به میزان بیشتری از روش مهارت‌آموزی استفاده کرده‌اند.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از بررسی روشهای تدریس مورد استفاده مربیان در دوره‌های آموزشی مورد نظر بیانگر آن است که در تمامی دوره‌های آموزشی از روش سخنرانی، بیشتر از سایر روشها استفاده شده است. پس از آن، روش پرسش و پاسخ بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. همچنین روش مهارت‌آموزی، کار عملی و بازدید علمی به ترتیب بعد از دور روش فوق روشهای آموزشی غالب مورد استفاده مربیان بوده است. به نظر می‌رسد با اینکه مربیان نیم‌نگاهی به شیوه‌های تدریس مهارت‌آموزی و کار عملی دارند، لیکن محدودیتهای مختلف برگزاری دوره‌ها سبب شد که آنان به سمت روشهای سهل‌الوصول تر (نظری) مانند پرسش و پاسخ و سخنرانی روی آورند. در عین حال روشهایی چون حل مسئله و کارگاه آموزشی کمترین میزان استفاده را در این بین داشته‌اند.

بر مبنای یافته‌های تحقیق در مورد موارد و رسانه‌های آموزشی مورد استفاده مربیان در دوره‌های آموزشی می‌توان در یک جمع‌بندی کلی چنین نتیجه گرفت: مربیان از مواد و رسانه‌هایی مانند اسلاید، فیلم آموزشی، کتاب، نشریه، جزوه، راهنمای آموزشی، اورهد و وایت‌برد بیشتر استفاده کرده‌اند. در عین حال مربیان از مواد و رسانه‌هایی چون: مدل، ماکت، عکس، نمودار، نقشه، رایانه و ویدئو پروژکشن استفاده نکرده‌اند یا استفاده محدود داشته‌اند. این امر بیانگر وجود تنوع رسانه‌ها و مواد آموزشی در دوره‌های مهارتی غیر رسمی است اما مربیان دوره‌های آموزشی حسب دسترسی و نیاز کارآموزان کلاس و سهولت به‌کارگیری، از برخی از آنها بهره‌جسته‌اند.

با بررسی نحوه آزمون و نوع سؤالات پایان دوره که برای ارزشیابی کارآموزان استفاده شده است، استنتاج می‌شود که اغلب مربیان از آزمون کتبی استفاده کرده‌اند و پس از آن، استفاده از آزمون شفاهی و عملی بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. بر این اساس برای محقق این موضوع روشن گردید که علی‌رغم ماهیت دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای غیر رسمی امور دام که آزمونهای عملی جهت سنجش مهارت‌آموزی کارآموزان آن مناسب‌تر

است؛ بیشتر مریبان به آزمونهای کتبی رو آورده‌اند. در تأیید این امر نتایج تحلیلی آزمون مقایسه میانگین استفاده از انواع آزمونها و سؤالات در دوره‌های آموزشی نشان می‌دهد که به جز سؤالات کوتاه پاسخ در سایر آزمونها و سؤالات، بین میزان استفاده از آزمونها بردست مریبان دوره‌های آموزشی مختلف امور دام تفاوت معنی داری وجود ندارد. در نتیجه باید گفت آزمونهای کتبی، شفاهی و عملی مریبان بر حسب محتوا و سرفصلهای مختلف و متنوع دوره‌های آموزشی انتخاب نشده است. بدیهی است که عدم تناسب و انطباق نوع آزمون با مطالب ارائه شده در دوره می‌تواند ارزشیابی کار آموزان را در انتهای دوره دچار خدشه کند. نتایج حاصل از بررسی همبستگی روشهای تدریس به‌کار گرفته شده با مواد و رسانه‌های مورد استفاده مریبان در دوره‌های آموزشی نشان داد که مریبان دوره‌های آموزشی امور دام با توجه به سرفصلهای آموزشی متعدد از مواد و رسانه‌های آموزشی متناسب با روش تدریس خود استفاده کرده‌اند. نتایج حاصل از بررسی همبستگی روشهای تدریس و لوازم و تجهیزات تخصصی مورد استفاده مریبان در دوره‌های آموزشی نشان داده است که مریبان دوره‌های آموزشی فوق، در حین استفاده از روشهای مهارت‌آموزی، تمرین (کار عملی)، بازدید عملی و نمایش در انتخاب وسایل و تجهیزات مورد نیاز دقت لازم را به عمل آورده‌اند. طبعاً این امر در روند یادگیری مهارتها و فنون بسیار مفید و مؤثر است.

نتایج حاصل از بررسی رابطه بین روشهای تدریس، آزمونها و سؤالاتی که مریبان دوره‌های آموزش به کار برده‌اند نشان داد که بین روشهای تدریس و نوع آزمون مورد استفاده مریبان دوره‌های آموزشی امور دام جهت ارزشیابی کار آموزان دوره رابطه معنی دار وجود ندارد. یعنی می‌توان گفت از آزمونهای کتبی با سؤالات چند گزینه‌ای، کامل کردنی، کوتاه پاسخ، تشریحی، تلفیقی و آزمونهای شفاهی و عملی غالباً مریبانی استفاده می‌کنند که در تدریس بیشتر از روش سخنرانی و پرسش و پاسخ بهره گرفته‌اند. از طرف دیگر به‌کارگیری آزمونهای شفاهی و کتبی با انواع سؤالات تشریحی، کامل کردنی و چند گزینه‌ای برای مریبانی که بیشتر از روشهای مهارت‌آموزی، کار عملی و بازدید عملی بهره گرفته‌اند، نیز محسوس است. از این رو باید از نتایج فوق چنین استنباط نمود که بین روشهای تدریس منتخب مریبان و نوع آزمونهای پایان دوره‌ای که از کار آموزان گرفته شده است تناسب لازم برقرار نیست و مریبان بی توجه به ماهیت آموزشهای فنی و حرفه‌ای غیر رسمی که جنبه مهارت‌آموزی دارد و اینکه آزمون عملی باید ملاک ارزشیابی کار آموزان باشد سعی کرده‌اند از آزمونهای کتبی و شفاهی استفاده کنند. نتایج حاصل از بررسی رابطه بین روشهای تدریس منتخب و سطح تحصیلات مریبان نشان داده است که بین میزان استفاده مریبان از برخی روشها مانند پرسش و پاسخ، نمایشی، مهارت‌آموزی و سطح تحصیلات آنان رابطه معنی دار در سطح یک درصد وجود

دارد. به عبارت دیگر هر چه مربیان از سطح تحصیلات بالاتری برخوردار بوده‌اند به میزان بیشتری از روشهای فوق استفاده کرده‌اند. نتایج حاصل از بررسی روشهای تدریس منتخب و سابقه تدریس مربیان نشان داده است که هیچ‌گونه رابطه معنی داری بین انتخاب و به‌کارگیری روشهای تدریس و سابقه تدریس آنان وجود ندارد، به عبارت دیگر مربیان با سابقه تدریس متفاوت به میزان نسبتاً یکسانی از روشهای تدریس مختلف بهره برده‌اند. نتایج حاصل از بررسی روشهای تدریس منتخب و تجربه عملی مربی در موضوع مورد آموزش نشان داده است که بین روشهای تدریس مختلف تنها روش مهارت‌آموزی با میزان تجربه کار عملی مربیان در موضوع مورد آموزش رابطه مثبت و معنی دار در سطح یک درصد دارد. طبعاً مربیانی که در موضوع مورد تدریس خود تجارب عملی بیشتری دارند از روش مهارت‌آموزی بیشتر و بهتر استفاده کرده‌اند. نتایج حاصل از بررسی روشهای تدریس منتخب و برخی ویژگیهای رفتاری کارآموزان (بزرگسالان روستایی) و محدودیتهای جسمانی آنان نشان داده است که بین روش مورد استفاده مربیان دوره با برخی ویژگیهای رفتاری بزرگسالان روستایی (شامل اضطراب، نگرانی، کاهش اعتماد به نفس، بی‌حوصلگی و...) رابطه معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر مربیان دوره‌های آموزشی هیچ توجهی به ویژگیهای رفتاری کارآموزان خود که اغلب بزرگسالان روستایی بودند، نداشته‌اند.

### پیشنهادهای

۱- یافته‌های پژوهش نشان داد مکان برگزاری حدود ۷۰ درصد از دوره‌ها مرکز آموزشی نبوده است که این امر قطعاً محدودیتهایی را برای ارائه آموزشهای مهارتی و عملی ایجاد خواهد کرد. لذا پیشنهاد می‌شود جهت بهره‌گیری کارآموزان از امکانات آموزشی مطلوب یک دوره فنی و حرفه‌ای غیر رسمی با استفاده از روشهای عملی این نوع آموزشها حتماً در مرکز آموزشی ترویجی تشکیل شود.

۲- با توجه به اینکه میانگین جمع ساعات دوره‌های آموزشی ۵/۵ ساعت و میانگین مدت زمان دوره، ۱۴ روز است، می‌توان نتیجه گرفت که به طور میانگین روزی ۴ ساعت آموزشی برای دوره‌ها در نظر گرفته شده است. طبعاً اگر ساعت روزانه در نظر گرفته شده برای این دوره کاهش یابد و مدت زمان ارائه آن بر حسب روز افزایش یابد می‌تواند تدریس موضوعات را از حالت فشرده بیرون آورده و فرصت مناسبی را برای یادگیری بهتر کارآموزان فراهم آورد.

۳- نتایج این تحقیق بیانگر استفاده مربیان از روشهای نظری و عملی بازمانی نسبتاً مساوی بوده است. که این نسبت برای آموزشهای فنی و حرفه‌ای غیر رسمی به هیچ وجه مناسب نیست. پیشنهاد می‌شود از طریق اصلاح استانداردهای آموزشی، تغییر محتوا، روشهای

تدریس و به کارگیری تجهیزات تخصصی، ساعات در نظر گرفته شده برای مباحث عملی افزایش یابد.

۴- از آنجایی که دو متغیر ویژگیهای رفتاری کارآموزان بزرگسال روستایی و محدودیتهای جسمانی آنان همواره مشکلاتی را برای یادگیری مهارتها و فنون به وجود می‌آورد، لذا پیشنهاد می‌شود مربیان دوره در امر تدریس آموزشهای فنی و حرفه‌ای غیر رسمی به این مهم توجه نمایند. معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری نیز جهت آشنایی آنان با روانشناسی یادگیری بزرگسالان، کارگاههای آموزشی منطقه‌ای یا کشوری برگزار کند. در ضمن نتایج حاصل از بررسی همبستگی روشهای تدریس منتخب مربیان و برخی از ویژگیهای رفتاری کارآموزان روستایی نیز مؤید همین مطلب است.

۵- به نظر می‌رسد اغلب مربیان دوره‌های آموزشی غیر رسمی امور دام فعالیت خود را هم زمان با شکل‌گیری این دوره‌ها در وزارت جهاد کشاورزی آغاز نموده‌اند، به طوری که متوسط سابقه تدریس آنها ۶/۵ سال و تجربه آنها ۷ سال بوده است. قطعاً آموزشهای ضمن خدمت در دوزمینه فنی امور دام، مباحث آموزشی ترویجی و بزرگسالان می‌تواند مکمل تجارب کار عملی و سابقه تدریس آنها شود. در آینده نیز باید ملاک گزینش مربیان براساس سه عامل میزان تجربه کار عملی، سابقه کار در قالب آموزشهای مهارتی و علاقه‌مندی آنها در کار با بزرگسالان روستایی باشد.

۶- با توجه به اینکه سابقه کار دامداران کارآموز به طور متوسط ۱۵/۵ سال برآورد شد (یعنی دو برابر سابقه کار مربیان دوره‌ها) همچنین سطح سواد اکثریت آنها در حد دوره ابتدایی تا راهنمایی بوده است، پیشنهادهای ذیل جهت بهبود روند تدریس و یادگیری ارائه می‌شود:

الف- مربیان دوره‌های آموزشی می‌بایست از دانش و مهارت بومی کارآموزان بهره‌گیری نمایند.

ب- کلاسهای آموزشی از نظر سطح آموزشهای مهارتی درجه‌بندی شود.

ج- قبل از تشکیل دوره آموزشی، لازم است کارآموزان از نظر دانش فنی سطح‌بندی شوند.

د- محتوای آموزشی (سرفصلها) به گونه‌ای طراحی شود که برای گروههای کم‌سواد کارآموزان نیز قابل فهم باشد.

ه- مربیان دوره‌های آموزشی به جای روشهای نظری از روشهای نمایش، بازدید، تمرین (کار عملی)، مهارت‌آموزی و مشابه آن استفاده نمایند.

و- بهتر است آزمون تشخیصی (نیازسنجی) جهت انطباق محتوای آموزشی با شرایط و نیازهای کارآموزان دوره را مربی دوره با هماهنگی مدیریت اجرایی دوره‌ها برگزار کند.

۷- یافته‌های پژوهش نشان داد اغلب مربیان دوره‌های آموزشی به ترتیب بر حسب فراوانی



از روشهای سخنرانی، پرسش و پاسخ، مهارت آموزی و بازدید علمی استفاده نموده‌اند و از روشهایی مانند نمایش، تمرین، بحث گروهی، کارگاه آموزشی کمتر بهره برده‌اند. نسبت استفاده آنها از این روشها در دوره‌های آموزشی مختلف هم یکسان بوده است. از این رو با توجه به وجود روشهای متنوع تدریس پیشنهاد می‌شود از سایر روشهای تدریس مانند حل مسئله، اکتشافی، جلسه بحث، آزمایشی، گردش صحرایی، ایفای نقش و ... متناسب با محتوای آموزشی و شرایط فراگیران استفاده شود.

۸- براساس یافته‌های حاصل از تحقیق، مربیان دوره‌های آموزشی بر حسب سهولت دسترسی تنها برخی از رسانه‌ها و مواد آموزشی را مورد استفاده قرار داده‌اند. بنابراین موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

● علاوه بر مدل و ماکت از سایر مواد آموزشی سه بعدی مانند: مولاژ، اشیاء واقعی، نمونه‌ها و برشها استفاده شود.

● کارآموزان می‌توانند از بین مواد چاپی و نوشتاری علاوه بر کتاب و جزوه، نشریه و راهنمای آموزشی از بروشور، مجله و روزنامه هم بهره لازم را ببرند.

● در گروه تصاویر و طرحها علاوه بر عکس، نمودار و نقشه، مربیان دوره آموزشی می‌توانند از پوستر، جدول نقاشی و چارت نیز استفاده کنند.

● در بین رسانه‌های آموزشی نورتاب، مربیان علاوه بر اسلاید، اورهد و فیلمهای آموزشی می‌توانند از رایانه و ویدئو پروجکشن نیز به نحوه مطلوب استفاده کنند.

● مربیان آموزشی دوره‌های غیر رسمی امور دام از رسانه‌های آموزشی شنیداری به هیچ وجه استفاده نکرده‌اند با اینکه رسانه‌های شنیداری مانند رادیو و ضبط صوت در آموزشهای انبوهی کاربرد بیشتری دارند اما کارآموزان دوره‌های آموزشی با توجه به مشغله‌های کاری که دارند می‌توانند از آنها به عنوان مکمل آموزشهای گروهی بهره لازم را ببرند.

● آمار توصیفی حاصل از به‌کارگیری تابلوهای آموزشی بردست مربیان بیانگر استفاده انحصاری آنها از تخته سیاه و وایت برد است. به عبارت دیگر سایر تابلوها مانند پارچه‌ای، مغناطیسی، الکتریکی و ... در اختیار آنان قرار نگرفته است.

۹- یافته‌های پژوهشی بیانگر این است که آزمونهایی که مربیان دوره، جهت ارزشیابی پایانی از کارآموزان به عمل می‌آورند با محتوا و سرفصلهای متنوع دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای غیر رسمی امور دام انطباق نداشته است. به مجریان و مدیران دوره‌های آموزشی توصیه می‌شود با عنایت به مهارتی بودن ماهیت این دوره‌ها در برگزاری آزمونهای پایان دوره، دقت بیشتری به عمل آورند. طبعاً آزمونهای عملی جهت بررسی میزان مهارت آموزی کارآموزان و سنجش و اندازه‌گیری ارتقای آموخته‌های فنی آنان نسبت به ابتدای دوره از اهمیت خاصی

برخوردار است. در این زمینه نتایج حاصل از بررسی رابطه بین روشهای تدریس و نوع سؤالات و آزمونهایی که مربیان به کار می‌گیرند نیز مؤید این موضوع است.

۱۰- نتایج آزمون همبستگی پیرامون بررسی رابطه روش تدریس با برخی از ویژگیهای مربیان نشان داد که بین سطح تحصیلات مربی و نیز تجربه کار عملی آنان با روش تدریس مناسبی که مربی انتخاب می‌کند رابطه معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه مربیان دوره در موضوعات عملی مجرب تر بوده‌اند، به همان نسبت از روشهای مهارت‌آموزی برای کار آموزان در تدریس خود بیشتر استفاده نموده‌اند، پس مسئولان دوره‌هایی بایست تلاش کنند از مربیان آموزشی که تجربه کار عملی زیادی در موضوع مورد آموزش دارند برای آموزش دامداران بزرگسال روستایی استفاده کنند که از این طریق نه تنها درصد یادگیری نزد کار آموزان بالا می‌رود بلکه رغبت آنان برای حضور در دوره‌های آموزشی مشابه نیز بیشتر خواهد شد.

۱۱- بررسیهای تحلیلی انجام شده روی پنج دوره آموزشی نشان داد که مربیان دوره‌های آموزشی فوق، در انتخاب و به‌کارگیری وسایل و تجهیزات تخصصی دوره بر حسب سرفصلهای آموزشی و تناسب باروشهای مهارت‌آموزی، تمرین (کار عملی)، بازدید علمی و نمایش دقت کافی داشته‌اند. لیکن آنچه از بررسی نظریات تشریحی آنان به دست آمده است همانا عدم وجود مراکز آموزشی مجهز و کمبود ابزار و وسایل تخصصی است. به تعبیر دیگر اغلب دوره‌های فنی و حرفه‌ای غیر رسمی از کمبود این نوع لوازم و تجهیزات رنج می‌برند، لذا به مدیران شهرستان توصیه می‌گردد قبل از تشکیل یک دوره آموزشی و با دانستن تعداد کار آموزان شرکت‌کننده، از کافی بودن و مناسب بودن لوازم و تجهیزات مورد نیاز دوره اطمینان یابند.

## منابع

- ۱- پروند، م. ح. (۱۳۶۶)، مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی و درسی. تهران: انتشارات صحیفه.
- ۲- خداوردیان، م. ر. (۱۳۷۸)، بررسی عوامل مؤثر بر سودمندی دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای غیر رسمی وزارت جهاد سازندگی برای شاغلین روستایی استان تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- ۳- سلیمانی، ن. (۱۳۸۲)، طرح مطالعاتی بررسی روشهای تدریس موجود در دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای غیر رسمی امور دام. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری، گروه مطالعات و ارزشیابی آموزشی - ترویجی، دفتر مطالعات و تلفیق برنامه.
- ۴- سیف، ع. ا. (۱۳۷۹)، روانشناسی تربیتی (پادگیری آموزشی). تهران: انتشارات آگاه.
- ۵- شعبانی، ح. (۱۳۷۱)، مهارتهای آموزشی پرورشی (روشها و فنون تدریس). تهران: سمت.
- ۶- شعبانی و پورظهیر (۱۳۷۶)، تأثیر روشهای تدریس در افزایش تواناییهای شناختی، عاطفی و رفتاری دانش‌آموزان. تهران: سمت.
- ۷- صداقت نیک (۱۳۷۳)، بررسی نوع و میزان کارایی روشهای تدریس متداول و مناسب آموزشهای حرفه‌ای در مراکز آموزش کشاورزی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۸- کرباسیون، م. (۱۳۷۳)، بررسی نیازهای آموزشی و موانع تدریس از نظر مربیان دوره‌های آموزشی روستاییان استان اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده کشاورزی.
- ۹- وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۲)، گزارش فعالیتها و عملکرد آموزش روستاییان در سال ۱۳۸۱. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری، دفتر آموزش روستاییان.